

لازم نیست شورای عالی به اجرا وارد شود، می‌تواند معلوم کند که ساختار تعریف شود یا از ساختارهای موجود یکی را مسئول امر قرار بدهد. ممکن است اصلاً ما ضرورت ایجاد ساختار هم نداشته باشیم، ولی باید بگویید فلان ساختار مسئول است و بقیه باید با او هماهنگ شوند.

### در حال حاضر اداره کل امور اتباع و مهاجران خارجی چنین نقشی ندارد؟

این اداره کل جزئی از یک وزارتخانه است، درست است که در اسم این مسئولین را دارد اما می‌دانید که جایگاه، خیلی تعیین‌کننده در تاثیرگذاری فرامین و دستورها است.

### البته نهادی بالاتر از اداره کل اتباع به نام شورای هماهنگی امور اتباع خارجی وجود دارد که سابقه‌اش را خودتان فرمودید، این شورا مصداق همان چیزی نیست که گفتید؟

آیا مصوباتش قابلیت اجرایی دارد؟ آیا ناظری بر آن‌ها هست؟ حرف این است که نسبت به حضور افغان‌ها در ایران چه کسی باید به مقامات عالی پاسخ بدهد و مقامات از چه کسی باید سوال کنند؟ همه در موضوع مهاجران درگیرند، چون موضوع مهاجران یک وجهی نیست بلکه وجوه مختلفی دارد، حتی با امنیت داخلی و خارجی مرتبط است. کلیت موضوع این است که وقتی امام خمینی (ره) شعار و سیاست را تعریف کرد، ما باید خودمان را مهبیای پذیرش این کار بکنیم؛ اگر می‌خواهیم بگوییم ام‌القراء جهان اسلام هستیم، باید شایستگی این را داشته باشیم، یک بعد حمایتی ام‌القراء جهان اسلام این است که وقتی مهاجران وارد نظام ما می‌شوند، با احترام و رعایت اخلاق اسلامی، برخورد شود و نیازشان را در ایران برطرف کنند.

این به معنای زیر پا گذاشتن قوانین خودمان نیست، ما می‌توانیم با حفظ قوانین داخلی خودمان محقق‌کننده سیاست‌های کلی نظام در جهان اسلام هم باشیم، مشروط به این که سازوکار درستی را تعریف کنیم؛ بپراکنده کاری و این که هر کس در حوزه مدیریتش یک تفکر را اعمال کند، قطعاً به این نتیجه نخواهیم رسید.

اگر به سال‌های گذشته نگاه کنیم، می‌بینیم که هم سیاست امام خمینی (ره) و هم مقام معظم رهبری، حمایت از مردم افغانستان بوده است، از این لحاظ نظام جمهوری اسلامی عدولی نکرده است اما در صحنه اجرا در تعامل با این قشر عظیم مهاجران که می‌تواند سرمایه معنوی نظام اسلامی در حمایت از مردم مسلمان افغانستان باشد، دستگاه‌های ما سلیقه‌ای رفتار کردند.

موقعی که باید قانون را اجرا می‌کردند، اجرا نکردند، آن جایی که نباید اجرا می‌کردند، اجرا کردند؛ اجرای قانون امری عادی است اما زمان آن مهم است! فصل سرما در افغانستان از ابتدای نیمه دوم سال شروع می‌شود، سرما

آن قدر شدید است که زندگی را برای مردم عادی سخت می‌کند؛ ما می‌بینیم که همان زمان مهاجران غیر قانونی طرد می‌شوند! شش ماه اول سال که هوا مناسب است را رها و در فصل سرما این کار را می‌کنیم.

### همان طور که گفتید استراتژی را امام خمینی (ره) مشخص کردند، قانون هم وجود دارد، اما در عمل خلاف آن اتفاق می‌افتد؛ شاید برخی به این استراتژی اعتقادی ندارند.

ضرب المثلی می‌گوید با فیل دوستی نکن، اگر می‌کنی خانه‌ات را اندازه

فیل بساز! استراتژی ما حمایت از ملت‌های مسلمان و مستضعف است؛ تاکید می‌کنم که امام خمینی (ره) کلمه مستضعف را هم آورده است، یعنی نباید تنها در دایره مسلمانان هم حمایت‌مان باشد، مقام معظم رهبری هم تاکیدشان اینگونه است.

ما باید خودمان را چه در بعد ساختار حاکمیتی و چه بعد مردمی، برای این عمل بسیار ارزشمند آماده می‌کردیم، در دوران دفاع مقدس و فضای انقلاب اسلامی می‌بینیم که هم مردم و هم حاکمیت آغوششان برای مهاجران افغان باز بوده است.

اما وقتی در کشورمان زیرساخت‌های بازسازی را فراهم کردیم، می‌بینیم که از فضا و شعارهای انقلاب اسلامی دور شده‌ایم، در حوزه فرهنگی از شعار انقلاب اسلامی غافل شدیم و بیشتر به مباحث انحصاری خودمان پرداختیم. به دلیل همین سلیقه‌ای برخورد کردن جامعه‌مان را سوق دادیم که از نگاه ارزشی عدول کند، به نگاه دنیوی بچسبد و بگوید این مهاجر یک شغل را از من گرفته، نمی‌گوید این مهاجر نیازمند بوده است و شعار ما دستگیری از اوست. این حرف را می‌توانید در فرودگاه مشهد ببینید، یک افغانستانی ویزا و پاسپورت دارد، تاجر، پزشک یا حتی دیپلمات است؛ وقتی وارد ایران می‌شود، فریاد می‌زنند که افغان‌ها یک طرف، ایرانی‌هایک طرف.

خود همین بیان با نگاه حمایتی انقلاب اسلامی قابل جمع نیست، هیچ ایرادی ندارد که گیت‌هایی مشخص کنند و بنویسند ایرانی‌ها یک جا و غیر ایرانی‌ها جای دیگر، در همه جای جهان اینگونه است؛ اما متأسفانه ادبیات صحیحی بکار نمی‌رود. من در صحنه

ممکن است اشکالاتی در بحث آموزشی و اشتغال ما وجود داشته باشد، اما سطح علمی افغان‌هایی که در ایران فارغ‌التحصیل شده‌اند بالاتر از همه است

افغانستان علی‌الخصوص عرصه فرهنگ حضور داریم، می‌بینم کوچکترین عملی در قبال مهاجران در ایران، در داخل افغانستان بازتاب دارد. ما در داخل افغانستان بر اشتراکات، ظرفیت‌های دینی و اسلامی، زندگی مسالمت آمیز و برادری دو ملت و امت واحده اسلامی تاکید می‌کنیم، اما وقتی اخبار برخورد با مهاجران به افغانستان می‌رسد، به ما می‌گویند، پس این‌ها چیست؟ حرف‌هایتان درباره اشتراکات درست اما دلیل این رفتارتان چیست؟ این رفتارها خیلی از مواقع توجیه پذیر نیست.

ما در افغانستان سعی می‌کنیم مروج فرهنگ انقلاب اسلامی باشیم که شاید مخاطبمان ۱۰۰ ها

هزار نفر باشند، اما در ایران ظرفیت چند میلیونی وجود دارد، این‌ها روزی قطعاً به افغانستان می‌روند، حتی همین امروز هم اگر در رفت و آمدشان سهولت ایجاد کنیم، بخش اعظمشان می‌روند و برمی‌گردند، نمونه‌اش این که بهترین فارغ‌التحصیلان در افغانستان، فارغ‌التحصیلان ایران هستند.

### البته برخی از کارشناسان و حتی خود مهاجران می‌گویند به علت عدم برنامه‌ریزی، اکثر مهاجران که از ایران باز می‌گردند، کارگرد و بر خلاف مهاجران بازگشته از پاکستان راهی به سطوح مدیریتی افغانستان ندارند.

ممکن است اشکالاتی در بحث آموزشی و اشتغال ما وجود داشته باشد، اما سطح علمی افغان‌هایی که در ایران فارغ‌التحصیل شده‌اند بالاتر از همه است؛ این که برخی اقشار خاص رشد مدیریتی دارند، دلایل سیاسی دارد نه دلایل فنی و حرفه‌ای؛ این که بیشتر مهاجران بازگشته از پاکستان مورد اقبال‌اند به علت ایران‌هراسی

است که مدام در حال دامن زدن به آن هستند. با این حال امروز مهاجران بازگشته از ایران به طور طبیعی یک سر و گردان بالاتر از دیگران هستند.

### یعنی بدون این که ما برنامه‌ریزی تربیتی داشته باشیم، باز هم یک سر و گردن بالاتر هستند!

یکی از حسن‌های حضور مهاجران در جامعه ایران همین همزیستی مشترک است، این خود به خود اثرش را گذاشته است؛ ما در افغانستان برای ترویج فرهنگ جمهوری اسلامی تلاش می‌کنیم اما چندمیلیون

من در صحنه افغانستان علی‌الخصوص عرصه فرهنگ حضور داریم، می‌بینم کوچکترین عملی در قبال مهاجران در ایران، داخل افغانستان بازتاب دارد